

آری، اینچنین بود ابوذر!

۱۳ اسفند ۱۳۹۴ ساعت ۲۱:۰۳

در نیمه اسفند ۱۲۸۹، حق تعالی به مردی عالم، فاضل، متقی و مجاهد یعنی حضرت آیت‌الله‌العظمی حاج سید ابوالحسن حسینی طالقانی که آن زمان ساکن روستای گلیرد طالقان بود، فرزند شایسته‌ای هدیه داد. آن عالم وارسته که از خوشحالی در پوست خود نمی‌گنجید به اهل خانه امر فرمود تا گوسفندی را عقیقه کنند. سپس قرآنی را از روی تاقچه ...

در نیمه اسفند ۱۲۸۹، حق تعالی به مردی عالم، فاضل، متقی و مجاهد یعنی حضرت آیت‌الله‌العظمی حاج سید ابوالحسن حسینی طالقانی که آن زمان ساکن روستای گلیرد طالقان بود، فرزند شایسته‌ای هدیه داد. آن عالم وارسته که از خوشحالی در پوست خود نمی‌گنجید به اهل خانه امر فرمود تا گوسفندی را عقیقه کنند. سپس قرآنی را از روی تاقچه برداشت و به رسم آن روزگار پشت جلد آن نوشت: «نورچشمی آسید محمود در روز دوشنبه چهارم ربیع‌الاول ۱۳۲۹ هجق به دنیا آمد.»

گویي همین نوشتار کوتاه پیوندی ناگسستنی را بین آن کودک با کتاب آسمانی برقرار ساخت و طریق چگونه زیستن و چگونه مردن را به او آموخت.

فراگیری علم و دانش

آسید محمود ابتدا در محضر پدر بزرگوارش تحت تعلیم و تربیت قرار می‌گیرد و سپس به رسم آن دوران راهی مکتبخانه می‌شود و نزد آخوند ملا ابوتراب، کربلایی سید طاهر گلیردی، سید تقی اورازانی، کربلایی علی ورکشی و... تلمذ می‌کند و در فاصله پنج تا ده سالگی دروس مکتبی را فرا می‌گیرد. سپس در ده سالگی عازم تهران می‌شود و در مدرسه ملارضا به مدت دو سال مقدمات علوم حوزوی را می‌آموزد و در سن دوازده سالگی وارد حوزه علمیه قم می‌شود.

این عالم زبده پس از فراگیری دروس حوزوی، عازم عتبات عالیات می‌شود و به تکمیل تحصیلات حوزوی خویش می‌پردازد و پس از کسب اجازه اجتهاد از محضر عالمانی چون آیت‌الله اصفهانی با موفقیت به قم باز می‌گردد. آشیخ عبدالکریم حائری، مؤسس حوزه علمیه قم بسیار محتاط و سختگیر بود، با این همه به ایشان اجازه اجتهاد می‌دهد. همچنین آیت‌الله قمی به ایشان اجازه نقل حدیث و آیت‌الله مرعشی نجفی به ایشان اجازه دعای یمانی می‌دهند. سید محمود طالقانی پس از رحلت پدر، بنا به درخواست دوستان آن بزرگوار به تهران باز می‌گردد

آغاز فعالیت‌های علمی و سیاسی در کانون اسلام

مجاهد مصلح، مرحوم آیت‌الله سید محمود طالقانی پس از فراگیری علوم حوزوی و پایان تحصیلات در تهران تشکیل خانواده می‌دهد و از همان ابتدای زندگی مشترک به مبارزه با رژیم ستمشاهی و پیگیری احقاق حقوق محرومین می‌پردازد. آن بزرگوار با سخنرانی‌های مهیج خود علیه طاغوت و طاغوتیان همچون پدر عظیم‌الشان خود که از مبارزین و مورد وثوق شهید آیت‌الله سید حسن مدرس بود، بستر را برای آگاهی جوانان آماده می‌سازد و با تشکیل جلسات تفسیر قرآن در منزل خود و در مکانها و محلهای مختلف، از جمله مسجد هدایت با دانشجویان و تیپ تحصیلکرده ارتباط برقرار می‌کند.

فعالیت‌های مبارزاتی وی منجر به درگیری با مأمورین رضاخانی می‌شود و رژیم به بهانه لباس روحانیت و مجوز عمامه گذاشتن و سپس دفاع از زنی که مأمورین چادر از سرش برداشته بودند، او را به دو ماه حبس و جریمه نقدی محکوم کرد. ایشان پس از آزادی از زندان با کمک دوستانش مجله‌ای به نام «دانش‌آموز» را راه انداخت و در آن به ترویج و نشر معارف دینی، تفسیر قرآن و بیان مسائل روز پرداخت.

مناره‌ای در کویر

مرحوم آیت‌الله طالقانی پس از اقامت در تهران ابتدا در مسجد ملک در دروازه قزوین و سپس در مسجد منشورالسلطان در خیابان سپه غربی ضمن به عهده گرفتن امامت جماعت به توضیح مسائل شرعی و پرسش و پاسخهایی در این زمینه می‌پردازد و با تشکیل جلسات تفسیر قرآن جوانان و تحصیلکرده‌ها را نیز به مسجد می‌کشاند. از آنجا که استقبال جوانان از این جلسات زیاد بود

و این مساجد گنجایش سیل مشتاقان را نداشت، به پیشنهاد دوستان، مسجد هدایت در خیابان اسلامبول را پایگاه روشنگری و مبارزاتی خود قرار می‌دهد. در این مسجد افراد مبارز و نامداری چون شهید چمران، مهندس بازرگان، دکتر سحابی و فرزند برومندشان مرحوم مهندس سحابی و نیز افاضل و بزرگانی چون شهید مطهری، استاد محمدتقی شریعتی، شهید باهنر، شهید رجایی و جوانان مبارز و روشن‌بینی گرد هم می‌آیند و مسجد هدایت را به کانون مذهبی و مبارزاتی آن روز تهران تبدیل می‌کنند.

تقریب مذاهب اسلامی

گستره فکری مالک اشتر دوران هرگز به زمان و مکان خاصی محدود نمی‌شد، بلکه ایشان با روشنگریهای مبتنی بر جهان‌بینی اسلامی سعی می‌کرد پشته‌های باشد برای تقویت همبستگی ملل و مذاهب اسلامی. ارتباط ایشان با «دارالتقریب بین المذاهب الاسلامیه» و داشتن نمایندگی مطلق برای رساندن پیام آیت‌الله‌العظمی بروجردی به شیخ محمود شلتوت به همراه جمعی از علما و متفکرین در کنگره اسلامی قاهره و ارتباط با عبدالفتاح عبدالمقصود نویسنده بزرگ سنی، صاحب کتاب امام(ع) و ترجمه بخشهای نخستین این کتاب از جمله فعالیت‌های مبارزاتی ایشان بودند. ایشان در هر موقعیتی، از جمله کنگره قاهره تلاش می‌کرد با زبان گویا و لحن کوبنده خود مسلمانان و متفکران جهان اسلام را با حقوق حقه خویش آشنا سازد.

دغدغه قبله اول مسلمین، بیت‌المقدس و مسئله فلسطین

ابوذر زمان از نخستین کسانی بود که با صراحت هر چه تمام‌تر و با قدرت و صلابت دولت جعلی اسرائیل و اذنان آن را غاصب می‌دانست و مسلمانان ایرانی و جهان اسلام را برای مبارزه با اسرائیل و بازگرداندن حقوق از دست رفته مردم فلسطین به وحدت دعوت کرد. وی همراه با آیت‌الله کاشانی و گروه‌های مبارز اسلامی، در سال ۱۳۳۴ نخستین همایش ضد اسرائیلی را برگزار کرد و در سال ۱۳۳۸ با حضور خود در سرزمین فلسطین از نزدیک با رنجها و مرارت‌های مردم فلسطین و آوارگی آنها آشنا شد. در همین راستا در نماز عید فطر سال ۴۸ به تشریح مسئله فلسطین پرداخت و ضمن آگاه کردن مردم آنها را تشویق کرد تا فطریه و کمک‌های مالی خود را به مبارزین فلسطینی اهدا کنند.

مبارزات بی‌امان

مرحوم آیت‌الله طالقانی ابتدا در سالهای ۱۳۱۷ و ۱۳۱۸ به جرم مخالفت با اعمال رضاخانی برای کشف حجاب و سپس به دلیل مخالفت با رفراندوم شاه در ششم بهمن ۱۳۴۱ به چهار ماه و هشت روز حبس در زندان قزل‌قلعه محکوم شد. ایشان پس از آزادی

از زندان همچنان به مبارزات خود ادامه داد. با وقوع قیام ۱۵ خرداد ۴۲ با اعلامیه‌های تند و سخنرانیهای پرشور به حمایت از نهضت امام خمینی برخاست و این حرکت بار دیگر منجر به دستگیری و محاکمه ایشان و صدور حکم ده سال زندان برای ایشان شد. اینک آیت‌الله طالقانی در میان مبارزان کشورهای اسلامی و داخل ایران چهره شناخته شده‌ای بود، لذا با پیگیری علاقمندان به آزادی و در نتیجه فشارهای جوامع حقوق بشری بین‌المللی، سرانجام رژیم پهلوی مجبور شد ایشان را در آبان سال ۴۶ آزاد کند.

اما طالقانی مجاهد هرگز آرام و قرار نداشت و بار دیگر به روشنگریها و مبارزاتش ادامه داد و در سال ۵۰ ابتدا به یک ماه حبس در منزل و سپس تبعید به بافت کرمان و زابل محکوم شد. ایشان در خرداد سال ۵۲ به تهران بازگشت، اما در پاییز ۵۴ مجدداً دستگیر و روانه زندان شد. این بار هم رژیم ایشان را به ده سال زندان محکوم کرد، اما با پیروزی انقلاب ملت مسلمان ایران، مرحوم طالقانی در هشتم آبان ۵۷ با نهایت سرافرازی و با صلابت تمام از زندان آزاد شد و به مردم پیوست.

همراهی با انقلاب و رهبری آن

آیت‌الله طالقانی پس از آزادی از زندان با شرکت فعال در رهبری و هدایت انقلاب و برپایی راه‌پیماییهای تاسوعا و عاشورا و اربعین عملاً کمر نظام را شکست و دیکتاتور را ساقط کرد. این راه‌پیماییهای چند میلیونی عملاً رفراندوم‌هایی علیه حکومت جبار پهلوی بودند و با حضور آحاد مردم، نهادها، روحانیت و دیگر تشکلهای آن ایام حرکتی همه جانبه و یکپارچه شکل گرفت که نهایتاً منجر به استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی شد و به عنوان حادثه‌ای عظیم در تاریخ معاصر جهان ثبت شد.

نماز دشمن‌شکن جمعه

نماز پرشکوه و با صلابت سیاسی عبادی جمعه در جهت آگاهی‌بخشی به اقشار مختلف مردم و تقویت وحدت آنان در کنار انجام فریضه‌ای دینی و عبادی در زمینه مبارزه با استکبار جهانی امری حیاتی به نظر می‌رسید، به‌ویژه انقلاب نوظهور اسلامی در ایران نیازمند هدایت، حمایت و نگهداری دائمی بود. حضرت آیت‌الله طالقانی به عنوان یکی از منادیان اصلی وحدت دغدغه فراوانی برای برگزاری نماز جمعه داشت و بارها در محافل خصوصی و جمعی این تمایل خود را ابراز می‌کرد تا اینکه با سفارش همه جانبه افراد نزدیک به امام ایشان سرانجام می‌پذیرند و خود آیت‌الله طالقانی را مأمور اجرای این وظیفه مهم می‌کنند، بنابراین در تاریخ ۵/۵/۵۸

و در ماه مبارک رمضان به حکم امام خمینی آیت‌الله طالقانی به عنوان اولین امام جمعه ایران این آیین دشمن‌شکن را برگزار می‌کنند. ایشان تا پایان عمر شریفشان شش نماز جمعه و یک نماز عید فطر را برگزار کردند.

پرتوی از قرآن

مهم‌ترین و مشهورترین اثر ماندگار آن مفسر بزرگ کتاب پرتوی از قرآن در شش جلد است که تاکنون بارها چاپ شده است. ایشان به دلیل مزاحمت‌های همیشگی رژیم و گرفتار زندان و تبعید بودن از لحاظ دسترسی به منابع علمی همواره در مضیقه بودند، با این همه تفسیری نوشتند که توانست مورد توجه روشنفکران دانشگاهی و افراد صاحب نظر قرار گیرد. بدیهی است اگر ایشان مجال می‌یافت این تفسیر را به پایان برساند، اینک یکی از منابع مهم تفسیری در اختیار ما بود.

رحلت یا شهادت

در ساعت یک و نیم بامداد ۱۹ شهریور ۱۳۵۸ در حالی که انقلاب اسلامی به وجود آیت‌الله طالقانی نیاز مبرم داشت، ملت ایران در کمال ناباوری خبر درگذشت ایشان را دریافت کرد. این حادثه حتی از نظر بعضی از بزرگان و صاحب نظران تاکنون در پرده‌ای از ابهام قرار دارد. با رحلت ایشان ملت تازه از بند رسته یکی از رهبران مهم انقلابی خود را از دست داد و در سوگ نشست. خبر رحلت این عالم ربانی نه تنها مسلمانان که مردم آزاده سراسر جهان را دچار حیرت کرد. دولت جمهوری اسلامی یک روز را تعطیل رسمی و سه روز را عزای عمومی اعلام کرد و سیل پیامهای تسلیت برای رهبر کبیر انقلاب و نخست‌وزیر از سوی همه جریانات سیاسی داخلی و خارجی سرازیر شد. مانند عاشورا دسته‌های سینه‌زنی و زنجیرزنی به عزاداری پرداختند و با شعار «عزا عزاست امروز/ امام جمعه ما پیش خداست امروز» از آن مرد بزرگ تجلیل کردند.

به قول آقای علی معلم دامغانی:

ابوذرا! پدر! پیر امنا! یارا!

خدا صبور کند در مصیبت ما را

منبع : مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/32766/آریا-اینچنین-آریا>